

مصاحبه اختصاصی با خواهر دریادار پاسدار شهید حاج محمد ناظری / محمدسرباز با صلابت برای اسلام و قرآن بود

خرداد 6، 1395

چندی پیش ایران اسلامی دلاورمردی را از دست داد که در پهلوانی و قهرمانی بودنش جای هیچ شک و شبه ای وجود ندارد در همین راستا گفتگویی با خواهر دلاورمرد ایران اسلامی فرمانده یگان تکاوری نیروی دریایی سپاه انجام دادیم که در ادامه می خوانید.

ضمن معرفی خود بفرمائید چه نسبتی با شهید دارید؟

من زهرا ناظری کوچکترین عضو خانواده و خواهر سردار رشید اسلام فرمانده یگان های ویژه جنگ های نامنظم نیروی دریایی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی محمد ناظری هستم که متولد تهران و در حال حاضر کارشناس ارشد فرهنگی بنیاد شهید و امور ایثارگران تهران بزرگ که طراحی اکثر مسابقات قرآنی را برعهده دارم؛ علاوه بر اینکه تهیه کننده مستند 25 قسمتی نسیم سبز و استاد، مربی و داور مسابقات فرهنگی قرآنی، و نیز دبیر کل انجمن قرآن و عترت مرکز دانش پژوهان شاهد و مربی حلقه های صالحین هستم.

از فعالیتهای فرهنگی اجتماعی و سیاسی خانواده ناظری توضیحاتی بفرمایید

ما جمعا 8 نفر بودیم 3 خواهر و 3 برادر و پدر و مادر که پدرم از رزمندگان 8 سال دفاع مقدس و بسیجی بودند که اکنون در قید حیات نیستند و مادرم نیز متولد شهرستان خوی و اولین شهید مکه در سال 66 (حج خونین) است که خود وی نیز بسیجی بود هر دو والدینم از کارمندان وزارت بهداری بودند ضمن اینکه پدرم بر لقمه حلال بیشتر تاکید می کرد.

محمد بزرگترین فرزند و من کوچکترین عضو خانواده هستیم که در حال حاضر هم با شهادت تیمور کوچکترین برادر تنها علی رضا برای ما 3 خواهر مانده است.

از خصوصیات اخلاقی شهید برایمان بگویید

البته این را بگم که هرچقدر از خوبیها و حسن های برادرم بگویم کم است چراکه محمد جزء بندگان خاص خدا بود که انتخاب شده و در مسیر ولایت خدمت می کرد.

اما در کل می توان گفت که محمد من، دلسوز، مهربان، فداکار و سرباز با صلابت برای قرآن، اسلام، رهبری و عاشق امام حسین(ع) بود و یادم می آید که مادرم همیشه می گفت: «من محمد را در روضه های حسین بن علی(ع) شیر داده ام.

محمد نخبه نظامی بود که از روابط اجتماعی بسیار بالا و اخلاق خوب برخوردار بود و در عین داشتن جذبه نظامی بسیار خوش برخورد با فامیل، دوست و خانواده بود و واقعا عاشق جوانان بود طوری که مدام ورد زبانش این بود: «جوانان را دریابید» به همین خاطر جوانان پر انرژی از همه اقشار را تربیت و تحویل انقلاب و اسلام می داد.

محمد برای خانواده بسیار دوست داشتنی و جذاب بود هرچند به دلیل شرکت در عملیات های پی در پی کمتر توفیق زیارتش را داشتیم اما وی در عین صلابت و نظامی بودنش، بسیار تمیز و شیک پوش بود و مادرم می گفت: «محمد راه برود و من قد و بالایش را بنگرم.»

وی بسیار ابراز علاقه به فرزندان را می کرد و خانواده دوست بود با فرزندان رابطه صمیمی و سوای پدر و فرزندی داشت و این امر باعث شد که فرزندان را نیز همچون خود ولایی و با سواد تربیت کند و هم اکنون دختر وی پزشک ورزشکاران و پسرش مهندس پرواز و از غواصان نخبه کشوری است و من امیدوارم که انشاءالله هردوی این عزیزان راه پدر را ادامه دهند.

از دوران تحصیل سردار حرفی برای گفتن دارید؟

بله دوران تحصیل محمد با دوران انقلاب اسلامی ایران همزمان شد. وی در راهپیمایی های پی در پی شرکت می کرد طوری که ساواک وی را شناسایی کرده بودند و سال 57 یک بار که به خانه پدری حمله کردند و قصد دستگیری محمد را داشتند خانه را به واقع شخم کردند اما به حول و قوه الهی نتوانستند داداش را پیدا و دستگیر کنند.

بعد پیروزی انقلاب اسلامی هم در کمیته ها، و سپس در دانشکده افسری، سپاه پاسداران، تیپ نوهد(اولین تیپ تکاوران نظامی در

ایران)، یگان ویژه هوابرد، بخش های زمینی، دریایی نظام حضور فعال داشت. از فعالیتهای حاج از فعالیتهای محمد برای آشنایی بستر جوانان بگید؟

داداش 20 سال در منطقه جنوب بود و در اکثر عملیاتها حضور پررنگ داشت طوری که سردار سلیمانی زمانی که برای عرض تسلیم به خانه ما آمدند گفتند: «عملیات و صحنه سختی را به یاد ندارم که حاج محمد در آن حضور نداشته باشد.

وی از آنجا که بسیار شجاع و عامل رضایت و خشنودی خدا بود شجاع و با صلابت در جریانات انقلاب اسلامی و در صحنه ها حاضر می شد و میتوان از این جریانات به غائله کردستان، فارور، نازعات و... اشاره کرد و همچنین مهمتر از همه به جریان اخیر و دستگیری ناو آمریکایی در خلیج فارس که واقعا خوب درخشید.

سردار مدافع و محافظ آب راه های کشور بود و اجازه نمی داد هیچ دشمنی و یا عواملش به آب های کشور ورود پیدا کنند و هنگام دستگیری ناو آمریکایی و انگلیسی با صلابت گفت: «خیال کردید چون ناو مسافربری ما را زدید هر غلطی خواستید می توانید انجام دهید و ما کاری به کارتان نخواهیم داشت؛ این را بدانید که ما پای هر متجاوزگری که به خاک، هوا و آب ما نفوذ کند قطع خواهیم کرد.

لحظه فراق را چگونه توصیف می کنید؟

در این لحظه اشک از چشمان زهرا خانم جاری شد و با سوز و گداز گفت: محمدم از بس عاشق امام حسین(ع) بود به واقع سرباز حسین بن علی(ع) شد و امام درست در روز تولدش میزبانی محمد را قبول کرد و این جانباز ولایی و سرافراز در شب ولادت بزرگ پرچمدار اسلام حضرت قمر بنی هاشم در امام زاده علی اکبر چیدر (این امام زاده آرامگاه بسیاری از نیروهای توانمند و تربیت یافته مدرسه داداش بود که شهید شده اند) در جوار رحمت الهی به خاک سپرده شد.

گفتم که سردار 20 سال در منطقه جنوب خلیج فارس هرچند بازنشسته شده بود اما در حال انجام خدمت و تربیت نیروهای توانمند بود که این نیروها اکثرا از بین جوانان هیئت ها در امام زاده علی اکبر تهران توسط داداش شناسایی شده بودند.

محمد مداح و میاندار هیئت عزاداری حسین بن علی(ع) در هیئت امام زاده علی اکبر بود. باید به صراحت بگویم محمد تنها برای ما نبود

محمد مردمی بود و این را در تشیع و تدفینش می توان دید . مردم منطقه جنوب بسیار محمد را دوست داشتند طوری که اولین مراسم تشیع وی در جنوب صورت گرفت.

به یاد دارم فوج فوج مردم را که در فرودگاه برای استقبال جنازه جمع شده بودند؛ طوری که نه من و نه هیچ کدام از فامیل ها نتوانستیم از نزدیک در مراسم تشیع و تدفین محمد حضور داشته باشیم.

در این لحظه پروژوکتور برنامه (مصاحبه در مراسم بزرگداشت سردار در شهرستان خوی گرفته شد) فیلم تدفین سردار را نشان می داد که خانم ناطری با حزن فراوان نگاه می کرد و گفت: در اینجا که نیروها دارن به پیکر محمدم ادای احترام می کنند از ته دت گریه می کردند وقتی قضیه را جویا شدم یکی گفت: آرزوی احترام به سردار به دلمان مانده بود چرا که هیچ موقع سردار اجازه احترام را نمی دادند و اینک ما به پیکرش ادای احترام می کنیم.

یکی دیگر گفت: فرمانده ما نخبه نظامی و طراح بسیاری از عملیات ها بود اما با عین داشتن صلابت و جذبه نظامی استاد و پدر تمام ما بود چراکه پدر فقط خوراک و پوشاک ما را تامین می کند اما سردار ما را تربیت کرد در خط ولایت

یکی دیگر رو به پیکر شهید کرد و گفت: فرمانده، تو به ما درس زندگی، شجاعت آموختی ولی اینکه چگونه فراق تورا تحمل کنیم را نیاموختی(و همه زدند زیر گریه).

ادامه مصاحبه ما از خواهر شهید راجع به شاگردان شهید بود که وی گفت: محمد نیروها و جوان های بسیاری را تربیت کرده بود که می توان از حاج احمد متوسلیان تا شهید بزرگوار سیاووشی را نام برد و سردار سلیمانی نیز گفته (حاج محمد به نوعی استاد من نیز شمرده می شوند).

از توصیه ها و حرفهای سردار به جوانان بگید؟

سردار همیشه می گفت: سرباز اسلام و انقلاب هیچ موقع خسته نمیشود تو هر سنگر و هر گرایشی که باشه باید تمام هم و غمش را به نظام و اسلام خدمت کنه وی با اینکه 10 سال بازنشسته شده بودند اما هیچ موقع بیکار ننشست و مدام دغدغه نظام و انقلاب را داشت و پوتین هایش را از پا در نمیآورد اما با این همه فشار کاری همیشه آرامش

خاصی را در چهره اش می دیدی.

وی همیشه می گفت: جوانان باید جذب اسلام ناب محمدی(ص) و انقلاب باشند. به جوانان می گفت: بهترین و والاترین وظیفه ما حفظ انقلاب و ارزشهای نظام است همیشه می گفت: اگر خونی در رگ ماست متعلق به آقا امام حسین(ع)، اولاد آن حضرت و رهبر فقیدمان است.

و جوابش به این شعار (هل من ناصرنی ینصرنی جوانان بود).

خواهر عزیز از دیگر برادر شهیدتان تیمور حرفی دارید؟

تیمور کوچکترین برادر که خود بسیجی و دانش آموز بود و زمانی که عازم جبهه های حق علیه باطل شد 16 سال بیشتر نداشت که کلیه دوره های آموزش نظامی را گذرانده بود و زمانی که دید دشمن به خاک ما حمله کرد در سال 61 عازم جبهه شد و در سن 17 سالگی در منطقه شوش دانیال داوطلبانه معبر مین را باز کرد به خیل شهدا پیوست و مزار مطهرش هم اکنون در قطعه 24 ردیف 112 بهشت زهرا واقع است.

تیمور در وصیت نامه خویش نوشته بود» ای امام عزیز ای کاش هزاران هزار جان داشتم و در راه تو که همان راه حسین(ع) است فدا می کردم دوست دارم بارها برگردم و زنده باشم و در رکاب املا م خدمت کنم.

توصیه خواهر شهیدان ناظری به جوانان چه می تواند باشد؟

عقیده منم عین عقیده محمد است یعنی اینکه به جوانان عنایت خاصی داشته باشیم و روی آنان سرمایه گذاری کنیم و این را بارها در کلام ولی امر مسلمین هم دیده ایم که می فرمایند«جوانان آینده سازان این مملکت هستند و می توانند مدافعین خوبی در تمام سنگرها برای کشور باشند.

زهرا خانم خطاب به جوانان گفت: ای جوانان رضای خدا را سرلوحه امورات خویش قرار دهید و با قرآن مانوس باشید اگر خدا قبول کنه بنده به عنوان فعال قرآنی سعی خواهم کرد قرآن را که در راس امورات قرار داده ام همچنان ادامه دهم.

در قرآن است اطیعوالله و اطیعوالرسول و اولی الامر منکم. امام فرموده: پشتیبان ولایت فقیه باشید تا آسیبی به شما نرسد لذا ما نیز باید در هر پست و مقامی که هستیم باید سرباز ولایی باشیم.

محمد مدافع حرم بود و خود و نیروهایش از ابتدای حمله وحشیانه

گروهک ملعون داعش به سوریه، عباس زینب کبری(س) بودند لذا جوانان ما نیز باید راه بزرگان و شهدا را ادامه داده و از آیین و دین و فرهنگ دفاع کنند.

حرف آخر:

با عنایت به اینکه تیمور و محمد هر دو سربازان ولایت بودند امید دارم که هر دو برادر شهیدم بنا به خواسته های خودشان در رجعت آقا امام زمان(عج) که از اعتقادات خاص شیعه است بازگردند و باز هم در خدمت اسلام و مسلمین نقش ایفا کنند و امید که همگی ما با شهدا محشور شویم و شهدا شفاعت ما در روز رستاخیز انجام دهند.

سردار دریاداردوم پاسدار محمد ناظری فرمانده یگان تکاوری اباعبدالله(ع) ندسا در حین انجام مأموریت در منطقه نازعات به یاران شهیدش پیوست.

دریاداردوم پاسدار ناظری از رزمندگان دوران هشت سال دفاع مقدس و فرماندهان قدیمی و زبده نیروی دریایی سپاه بود که در یگان هوابرد و ناوگردهای اعزامی ندسا برای تأمین تردد کشتیها و شناورها در خلیج عدن طی سالهای اخیر، نیز خدمات ارزنده ای ایفا کرد.

وی از جمله فرماندهان حاضر در عملیات دستگیری متجاوزان آمریکایی و انگلیسی به آبهای کشور در خلیج فارس بود که در مجموعه تلویزیونی فرمانده نیز نقش فرماندهی را ایفا می کرد.

وی همچنین در تربیت و آموزش نیروهای تکاور نیروی دریایی سپاه نقش قابل توجهی داشت.